

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۲۳ نومبر ۲۰۱۶

## قدرت های امپریالیستی و "دادگاه کیفری بین المللی"

دادگاه کیفری بین المللی می خواهد بر پایه اسناد و شواهد، علیه جنایات جنگی نیروهای اشغالگر امریکائی و سازمان استخباراتی این کشور "سی ای ای" که در افغانستان به هنگام تحقیق از زندانیان متوصل به شکنجه، آزار و اذیت و اعمال دیگر شده اند که همه از موارد جنایت جنگی است، تحقیق و بررسی نماید.

نظر به گزارش سالانه ای که منتشر شده است، مأموران بررسی و تحقیق جنایات جنگی در افغانستان، معلوماتی را که در مورد ۸۸ واقعه به دست آورده اند، نشان می دهد که اتهامات تا سال ۲۰۱۴ می رسد. یعنی تا زمانی که "اوباما" رئیس جمهور و "هیلری کلنتن" وزیر خارجه آن و بعداً جانشین وی و صاحب مقام فعلی "جان کری" بوده اند. اکثر شواهد اتهامات ارتباط می گیرد به سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ یعنی در زمان که "کالین پاول" وزیر خارجه "جورج دبلیو بوش" بوده است.

این اولین بار است که دیوان کیفری بین المللی اقدام به پیگیری از جنایات جنگی پانزده سال نیروهای امریکائی و سازمان جاسوسی این کشور را در افغانستان اعلام نموده است.

با تذکر بسیار مختصر: دادگاه کیفری بین المللی اولین دادگاه دایمی بین المللی برای رسیدگی به جرایم نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز جنسی است که مقر آن در لاهه کشور هالند قرار دارد.

اساسنامه این دادگاه در ماه جون ۱۹۹۸ در شهر روم به تأیید نمایندگان ۱۲۰ دولت رسید. در اول ماه جولای ۲۰۰۲ با تصویب آن توسط ۶۰ کشور موجودیت پیدا کرد.

این دادگاه به جرایمی رسیدگی می کند که پس از این تاریخ توسط اتباع در قلمرو یکی از کشور های عضو انجام شده باشد و یا این که با تصویب شورای امنیت "ملل متحد" بدانجا فرستاده شده باشد. تا سال ۲۰۱۶ کشور های عضو این نهاد به ۱۳۴ کشور رسیده است.

کشور هایی که اکثر تجاوزات و جنایات را در جهان مرتکب شده و می شوند چون امریکا و روسیه دو عضو دایم شورای امنیت "ملل متحد" از منتقدان این دادگاه بوده و به آن نپیوستند. روسیه در سال ۲۰۰۰ اساسنامه روم را امضاء کرد اما مجلس نمایندگان این کشور تا به حال آن را تصویب نکرده است.

طبق خبر گزاری "اسپوتنیک"، تصمیم پوتین در آستانه افزایش فشار ها برای بررسی حمله های هوایی روسیه به سوریه به عنوان جنایت جنگی، گرفته شده است لذا رئیس جمهور پوتین، فرمان امتناع این کشور از پیوستن به دیوان بین المللی کیفری ( اساسنامه روم) و خروج از آن را امضاء کرد و خواست تا به اطلاع سر منشی ملل متحد رسانده شود.

کشور چین هم عضو دایم شورای امنیت "سازمان ملل متحد" است مگر وی هم از منتقدان این دادگاه بوده و به آن نپیوست.

تقریباً تمام کشور های اروپائی و امریکای جنوبی و حدود نیمی از کشور های افریقائی، استرلیا، نیوزیلند و کانادا عضو دیوان هستند، اما از کشور های آسیائی تنها جاپان، مغولستان، افغانستان، تاجکستان، اردن، کمبوج و تیمور شرقی به این دیوان پیوسته اند.

کشور ها با امضای اساسنامه دیوان، برخی از اختیارات خود را در بخش تعقیب قضائی مجرمان به دادگاه کیفری بین المللی سپرده اند و دولت ها برای اجرای اصول این اساسنامه باید همکاری قابل توجهی با این دادگاه داشته باشند. در مواردی که دادگاه تحت شرایطی تبعه آن دولت را برای بازجویی، باز پرسی و تحقیق فرا می خواند، دولت ها باید بدون هیچ گونه پیش فرض متهم را تحویل دادگاه کیفری بین المللی بدهند. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بر همه افراد و به طور مساوی باید اجراء و اعمال شود.

دادگاه اجازه دارد بدون همکاری دولت، در قلمرو سرزمین آن به تحقیق و رسیدگی بپردازد و نیازی به کسب اجازه از سیستم قضائی کشور متبوع ندارد. سیستم قضائی افغانستان اجازه اعمال صلاحیت به دادگاه کیفری بین المللی را داده است لذا دادگاه می تواند در افغانستان عمل نمایند.

تا جایی که فهم ما اجازه می دهد، هیچ گاهی نیروهای نظامی و سازمانهای استخباراتی کشور های امپریالیستی بدون اراده و اوامر مقامات بلند پایه دولتی کاری را انجام نمی دهند. دیوان کیفری بین المللی از جنایات جنگی نیرو های امپریالیستی در ظرف پانزده سال تجاوز به افغانستان، فقط از چند فقره محدود نام می برد که باید در زمینه بررسی و تحقیق صورت بگیرد. در حالی که جنایات جنگی هرگز به افرادی معین و مشخصی خلاصه نمی شود. استفاده از تخنیک استنطاق در زندان بگرام تصمیم انفرادی نبوده بلکه از جانب مقامات امپریالیسم امریکا به یقین که تصویب و تأیید شده است. علاوه بر آن جنایات جنگی در افغانستان نه تنها در زندانها عملی می گردید بلکه جنایت سراسر کشور را احاطه نموده است. درست است که نیرو های نظامی مرتکب جنایات ضد بشری شده و هنوز هم می شوند مگر باید گفت که این نیرو ها هیچ گاه خود سرانه و بدون اوامر دولتهای خود مرتکب جنایت و تطبیق اعمال فجیع نمی شوند. جنایات امپریالیستها نه تنها در افغانستان بلکه در عراق، لیبیا، سوریه و دیگر کشور های افریقائی و آسیائی پوشیده نیست و نباید بر استناد مدارک و شواهد تحقیق و بررسی گردد. مگر جهان شاهد جنایات امپریالیستها در قندهار، قندوز و ارزگان خلاصه در تمام نقاط افغانستان نیستند که حالا دادگاه می خواهد تا مجموع جنایات امپریالیستها را فقط به تحقیق و بررسی جنایات یکی دو نفر از نیرو های آنها خلاصه نماید؟

طوری که ما شاهد هستیم در ۱۵ سال جنایاتی را که توسط نیرو های امپریالیسم امریکا و متحد جنایاتش در ناتو دولت المان صورت گرفته، فقط در مورد یک فرد بدنام قومندان کلاین که باعث قتل ۱۴۲ افغان ستمدیده در قندوز شده بود، محکمه دایر گردید، که در نتیجه بعد از به اصطلاح تحقیق و بررسی محکمه، با وجود آن که جنایتی را که وی مرتکب شده بود به کلی مشهود بود، مگر وی را نه تنها تبرئه نمودند بلکه به مقام بالاتر هم ارتقاء یافت. پس در صورتی که محاکم المان نخواستند تا قومندان کلاین را با وجود جنایت آشکار وی محکوم به جرم نمایند، آیا دیوان کیفری بین المللی

قادر خواهد شد تا جنایاتی را که افراد "سی آی ای" و نیروهای رزمی امپریالیسم امریکا مرتکب شده و می شوند، مورد تحقیق و بررسی قرار دهد و آنها را محکوم به جرم شان نماید؟ دادگاه زمانی موفق به تطبیق این عمل خواهد شد که دولت امپریالیستی امریکا منهدم شده باشد.

به فرض محال در صورتی که دادگاه به بررسی و تحقیق از جنایات آنها شروع نماید، این تحقیقات در حقیقت علیه عوامل اصلی و مستقیم جنایت های جنگی ۱۵ سال اخیر در افغانستان است. لذا این دولت های امپریالیستی هستند که باید در محاکمه کشانده شوند و نه افراد رزمی و استخباراتی آنها. اقدامات دادگاه علیه نیروهای شکنجه گر امپریالیسم امریکا در افغانستان و دیگر کشور ها برای دولت امریکا پیشیزی ارزش ندارد و به تصامیم آنها جزئی ترین اعتناء قایل نیست. لذا تحقیق در باره جنایات جنگی امپریالیستها در افغانستان تصویرست خام و بیجای.

دیوان کیفری بین المللی از آغاز فعالیت خود یعنی از سال ۲۰۰۲ بدین طرف تنها اتباع ممالک افریقائی را، این که آنها جرمی را مرتکب شده بودند و یا خیر، در برابر دادگاه مجبور به پاسخگوی شدند، در حالی که عوامل "سیا" از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۸ زیاد تر از ۲۷ نفر را هنگام بازداشت در افغانستان و در کشور های دیگر در معرض شکنجه، رفتار خشن، تجاوز جنسی و مورد توهین و اهانت قرار داده اند. آیا تا به حال دادگاه قادر شده است تا افراد "سیا" را مجبور به پاسخگوی نماید؟

به همین ترتیب جنایاتی را که نیروهای بریتانیا در عراق مرتکب شده اند: قرار گزارش داده شده زیادتیر از ۱۰۰۰ واقعه زجر و شکنجه در زندانها و به ۳۱۹ "قتل های غیر قانونی" از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۰۸ که به طور "سیستماتیک و جنایات جنگی گسترده" ای صورت گرفته بود، آیا دیوان کیفری توانسته است آنها را به پاسخگویی در دادگاه بطلبد؟

خوانندگان عزیز به گزارش ذیل دقیق شوید که تاجه اندازه کار و فعالیت دیوان کیفری مسخره و خنده آور است. دیوان کیفری بین المللی تا کنون فقط به پنج فقره نسل کشی و آنهم در اوگاندا، کانگو، افریقای مرکزی، کینیا رسیدگی کرده (بی شک) و علیه ۱۴ نفر اعلام جرم نموده است که از میان آنها هفت نفر فراری، دو نفر مرده و یا مرده اعلام شده اند و چهار نفر در بازداشت است و یک نفر به طور داوطلبانه در دادگاه حاضر شده است.

مثال برجسته دیگر حمایت امریکا از اسرائیل به منظور جلوگیری از محاکمه مقام های نظامی اسرائیلی در دادگاه لاهه است که ضعف و نقش بی ارزشی این دادگاه را در برابر خواست امپریالیسم امریکا واضح می سازد.

پس شما خوانندگان گرانقدر می توانید خود قضاوت نمائید که آیا دیوان کیفری بین المللی به وجود آورده شده است تا جرایم و جنایات جنگی اتباع و دولتهای که از نگاه نظامی و اقتصادی ضعیف هستند، مورد تحقیق و بررسی قرار دهد و آنها را محکوم به جرم نماید و نه جنایات جنگی نیرو ها و رؤسای کشور های امپریالیستی را.

طوری که می دانیم قضاوت های دیوان علیه رؤسای دو کشور افریقا که سودان و کینیا است باعث شد تا آنها مورد باز جوئی قرار گیرند. مگر علیه رئیس جمهور اسبق امریکا جارج دبلیو بوش با تمام جنایاتی که در افغانستان، عراق و.... مرتکب شده است، دیوان نه تنها هیچ اقدامی نکرده بلکه حتا جرأت به زبان آوردن آن را هم ندارد.

به همین دلیل بی جهت نبوده که کشور های "بروندی" افریقای جنوبی و گمبیا عضویت خود را در این دادگاه فسخ نموده تا بدین وسیله توانسته باشند عکس العمل خود را در برابر اعمال تبعیض آمیز این دادگاه نشان بدهند.

در حالی که در اساسنامه دادگاه آمده است: دادگاه جنایات جنگی را بدون تبعیض و به دور از ملاحظات سیاسی انجام می دهد و سهم بسزائی در جلوگیری از جنگ ها و جنایات جنگی و تأمین همزیستی مسالمت آمیز میان دولت ها و ملت ها خواهد داشت.

طوری که برداشت می شود: حقوق بین المللی فقط به دولت ها مربوط است و به افراد مستقیماً ارتباطی ندارد، بنابر این در حقوق بین المللی فقط دولت ها هستند که مسؤول و پاسخگوی جنگی هستند و نه افراد. اعمالی را که دولتها انجام می دهند گرچه توسط افراد صورت می گیرد، ولی مسؤولیت آن متوجه افراد نیست و به دولتها منسوب است. این افراد نیستند که مرتکب جنایات علیه حقوق بین الملل می شوند بلکه دولت ها هستند. با تنبیه افراد که مرتکب جنایات شده اند نمی توان مقررات حقوق بین الملل را تقویت کرد.

پس موجودیت دیوان کیفری بین المللی، اقدامات و پیگیری این دیوان جهت بررسی و تحقیق جنایات جنگی که کشور های امریالیستی در افغانستان و دیگر کشور های جهان مرتکب شده و می شوند، را باید بیهوده و بی ارزش دانست و نباید به آن اهمیت قابل شد. فقط خلق افغان است که به یقین روزی قادر خواهند شد تا به زور بازوی خود انتقام جنایات جنگی تجاوز گران امریالیستی و عمال دست نشانده و سر سپرده آنها را بگیرند.